

# مشاهیر عالم

## \* هیپوکرات \*

### Hippocrate

« هیپوکرات » یا معلم طب یکی از حکمای معروف یونان و مؤسس قدیم ترین و متهور ترین مدرسهٔ طبی در شهر «کوس»  
**Cos** «۱» بوده تولدش سال ۴۶۰ قبل از میلاد مسیح در شهر فوق الذکر بوقوع پیوسته است.

هیپوکرات « در قرن میزریسته که در آن قرن علم طب جزء موهومات مذهبی بوده فقط قائلین و پیشروان مذهب را دارای اسرار و رموز این فن شریف دانسته و معالجهٔ این امراض را منحصر به آنها اعتقاد داشتند ولی «هیپوکرات» نتیجهٔ تجربیات و تدقیقات خود را بمعرض استفادهٔ عمومی نهاده و بلاعوض بمعالجهٔ مرضی پرداخته و فن طبابت را از تنگنای ظلمت و تردید خارج ساخته در دسترس عموم گذارد.

چون در عقاید یونانی های قدیم اینگونه اشخاص را در ردیف مردمان عادی یا غیر جاودانی محسوب داشتن خبط و زحمت

شمرده میشد لذا « هیپوکرات » را از خانواده آسکلپیاد «

**Asclépiades** « ۲ » دانسته و برای اهمیت مقام او حکایات و

افسانه های اغراق آمیزی نقل میکنند « هیپوکرات » در رباعان

جوانی بعزم سیاحت و تکمیل معلومات از وطن مألوف مفارقت

جسته در اطراف و اکناف مسافرت اختیار کرد، چندی در

تراس **Thrace** « ۳ » متوقف پس از آن به « پلا »

**Pella** « ۴ » آمده در دربار « پریدیکاس دوم » **Perdiccas II** « ۵ »

توقف نموده با فاضله پرداخت

چندی بعد او را به « ایلیری » **illyrie** « ۱ » که مورد تهاجم

مرض « طاعون » شده بود با اصرار فوق العاده دعوت کردند

و خدمات ذیقیمتی باهالی آن سلامان نمود .

گویند پایه اشتهار او از اینجا و از خدماتی که در زمان

جنگ « پلوپونز » **Péloponèse** از خود بمنصه ظهور

رسانید نهاده می شود .

زمان توقف در « ایلیری » بواسطه اقدامات خود از بسط مرض

طاعون جلوگیری نموده و نسبتاً تخفیفی در آن روی داد و

چون شنید این مرض بسایر ایالات و ولایات یونان نیز سرایت

نموده برای اینکه سایر هموطنان خود را از چنگال این دشمن هولناک خلاصی بخشد بعزم «آتن» از نواحی «بئوتی» **Béotie** و «فوسید» **Phocide** و «تسالی» **Thessalie** عبور کرده و در هر نقطه دستورات لازمه صادر نموده بالاخره خود را به «آتن»

- (۱) یکی از جزایر واقع در بحر اژه.
- (۲) یکی از اسماء خاص که در یونان مخصوص خانواده بود که افراد آن خانواده بعقیده یونانیها متخصص در مداوای امراض بودند و آنها را از اخلاف (اسکولاپ) **Esculape** (رب النوع طبابت) میسر دهند.
- (۳) قسمت اروپائی اسلامبول که بوسیله پلی بقسمت آسیا متصل است.
- (۴) یکی از بلاد مقدونیه.
- (۵) یکی از پادشاهان مقدونیه که از سال ۴۵۲ الی ۴۲۹ قبل از میلاد مسیح سلطنت داشته است.

- (۱) یکی از نواحی یونان که حالیه در حدود آن اختلاف نظر است و چون شرح تمام حدود آن تطویل است صرف نظر شده است.
- (۲) جنگ بزرگ بین یونانیها و اسپارتها که در آن تمام ملل متنوعه یونان شرکت جسته و ۲۷ سال امتداد داشت بمباره آخری از سال ۴۳۱ الی ۴۰۴ قبل از میلاد بوده و شرح مبسوط آن بتاریخ یونان رجوع شود.

**Athène** رسانید. اتفاقاً مرض مشوم فوق الذکر بدانجا نیز سرایت نموده و بانهدام نفوس پرداخته بود. « هیپوکرات » برای تخفیف و بالنتیجه برانداختن مرض طاعون امر با فروختن آتشیهای فراوان در کوچه ها و خیابان ها نمود و این اقدام

او نتیجه مثبتی بخشیده از انتشار مرض کاست.

گویند بقدری در افروختن آتش امر ب مداومت داد تا اینکه مرض « طاعون » بکلی بر طرف و نابود گردید و این عمل باعث شهرت فوق العاده حکیم شده صیت فضل و کمالش در اطراف و اکناف منتشر و بسمع پادشاه ایران « آرتاگزرس » یا اردشیر دراز دست رسید.

پادشاه ایران با ارسال تحف و هدایای فراوان حکیم را به دربار خود دعوت نمود ولی « هیپوکرات » از قبول آن امتناع ورزید. پس از چندی « هیپوکرات » از « آتن » خارج و مسافرت ثانوی خود را بدو در اطراف یونان و سپس در آسیای صغیر شروع نمود و در هر يك از بلاد مدتی متوقف و برای تربیت ابناء بشر افتتاح کلاسها نموده مردم را آشنا به آداب حفظ الصحه و رسوم زندگی میگرد.

گویند اورا برای معالجه «دموکریت» **Démocrite** «۱» که دیوانه‌اش تصور میکردند دعوت نمودند اما بطوریکه می‌نویسند «هیپوکرآت» در ملاقات خود با «دموکریت» نه تنها او را دیوانه ندید بلکه فیلسوفی کامل العیار بنظر آورد. بالاخره پس از مسافرت های بعیده خود که در باب آنها مدارك مقتضی در دست نیست در «لاریس» **Larisse** «۲» بسن هشتادسالگی و بقولی صدسالگی بدرود زندگانی گفت . -

اهالی «آتن» مجسمه هیپوکرآت را از آهن ساخته و روی آن جمله ذیل را تکرار کرده بودند :

« هیپوکرآت ناجی و ولینعمت ما »

عقاید مختلفه در باب هیپوکرآت

**M. J. Boulet** «بوله» که چندی پس از هیپوکرآت میزیسته و از اطباء معروف است اساساً منکر وجود «هیپوکرآت» شده و عقیده مند است که این افسانه ها برای استدلال بوجود طب در قدیم جعل شده است زیرا آثاری که میگویند از او بجا

(۱) مجله فرهنگ شماره ۱۰ - ۱۱ صفحه ۳۳۴ بحاشیه مراجعه شود  
 (۲) بترکی (ینی شهر) مینامند یکی از بلاد (تسالی) فوق الذکر است

مانده در نظره اول می فهماند که مخصوص بیک نفر نبوده بلکه حاصل زحمت چندین نسل است. لیکن میتوان فقط جمله اخیر « بوله » را پذیرفت زیرا شاگردان « هیپوکرات » ممکن است پس از او اضافات و ملحقاتی بآثار و رسائل معلم خود نموده باشند اما وجود « هیپوکرات » بشهادت افلاطون حکیم در کتاب مکالمه خود موسوم به « منن » **Ménon** که معاصر با او بوده حتمی است. سه قرن پس از « هیپوکرات » طبیعی دیگر موسوم به « آندراس » **Andréas** با اتکاء بدلائل و براهین « بوله » منکر تبعات و تجربیات شخصی « هیپوکرات » شده مینویسد :

« اشتهار فوق العاده که « هیپوکرات » در علم طب یافته و آثاری که فعلا از او بجا مانده عبارت از اسناد و مدارکی است که در کتابخانه « کوس » و در معابد اطراف یونان از چندی پیش بوده و هیپوکرات در طی مسافرتهاى خود آنها را بدست آورده و پس از استفاده کامل از آنها تمام را طعمه آتش

ساخته تا شخص دیگر نتواند این افتخار را واجد شود » واضح است که این اتهام بشخصی مانند « هیپوکرات » که خدماتش به عالم

بشریت با تصدیق معاصرین او اظهر من الشمس است دور از انصاف و مروت و باید گفت « آندر آس » نیز نظیر « بوله » بیشتر متکی بفرضیات شده و در طریق قضاوت راه عدل نپیموده است زیرا بر فرض تصدیق مراتب فوق باز بمصداق الفضل للمتقدم مجاهداتی را که « هیپوکرات » در احیاء بنی نوع بشر نموده است لایق هرگونه تقدیس و احترام می باشد.

آثار باقیمانده « هیپوکرات » را شصت رساله نوشته اند . ولی بطوریکه نقل میکنند تمام این مؤلفات از آثار یک نفر « هیپوکرات » نبوده بلکه اشخاص چندی بوده اند که بهمین اسم موسوم و هر يك از خود رسائلی بجا گذارده اند که مجموعاً به شصت کتاب بالغ شده و بر چهار قسم است : دستورالاطباء ، فلسفه ، حفظ الصحه و طب .

قسمت اول - عبارتست از کتب : دستورالعمل ، میثاق ، قانون حکمت ، هنر و غیره است .

قسمت دوم - « طبیعت انسان » و درباب این کتاب در قرون

هفده و هیجده میلادی شروح مبسوطی نوشته شده است .

قسمت سوم - کتاب الهوا والمکان و الماء و کتاب قانون

حفظ الصحة و پرهیز آخرین قسمتش عبارت از کتب : دستور جامع  
 (۸ جلد) امراض مستبیره (۷ کتاب) طرز مداوای امراض  
 شدیدة ، بحران ، ایام خطر ، طب قدیم و معالجه کچلی و غیره  
 و غیره که مادر اینجا مهمترین آنها را از نظر قارئین گذرانندیم  
 مؤلفات «هیپوکرات» یکمرتبه بزبان لاتین در سال ۱۵۲۵  
 میلادی و در سال بعد بزبان یونانی طبع و نشر شده است .

### «(گوشش)»

بهر کار و حرفت که پیش آیدت \* دل و دستت اندر عمل گرم باد  
 اگر تو سن ملك رام تو نیست \* دل آهن اندر گفت نرم باد  
 چو کوشی و میری ترا فخر هست \* چو خسبی و هانی ترا شرم باد  
 چه آزر و ننگ ار بود پیشه خوار \* ز بیکاریت ننگ و آزر باد  
 ✧ تهران - رشید یاسعی ✧

